

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۲۳ اگست ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۲۶

مُقَطَّعات

۲۷

در وصف مرکب^۱ خود گوید

ستورکی ست بر آخر^۲ مرا، که هیچ شبی ز کاه می نشود سیر، تا به جو چه رسد
به ضرب قمچین گر پوست بر تنش بدرند ز لاغری نرود راه، تا به دو چه رسد

* * *

تاریکی خورشید جهانتاب، مپندار کاندر وسط عقده ز^۳ حیلولة مه شد
خورشید کجا ماه کجا عقده کدام است از آه من، این آئینه امروز سیه شد

^۱ "مرکب" مراد از "اسپ" است

^۲ "آخر"، یعنی "آخر"

^۳ "حیلولة" (کلمه فقهی و حقوقی) به جایدادی گفته شود، که به ضمانت گذارند